

آب در یک قدمی است

منبع: روزنامه شرق، صفحه زاویه، روز پنجشنبه، مورخ: ۹۳/۱۲/۲۸

روزهای پایانی اسفند از راه رسیده است. از دوران بچگی، روزهای بیستم تا سی ام اسفند را بسیار دوست داشتم، همیشه به نظرم بهترین ایام سال، این روزها بودند، حتی بهتر از تعطیلات تابستان. امتحانات ثلث دوم رو به انتها بود، حال و هوای عید در فضای خانه و مدرسه و کوچه و خیابان پیچیده بود؛ مادر در تدارک سفره هفت سین و تنگ ماهی و سبزی پلوی شب عید بود و تعطیلات دلچسبی پیش رو؛ تو گویی ۱۵ روز تعطیلات به پانزده ماه می مانست و قرار بود برای چندین ماه به درازا انجامد. دید و بازدیدها و عید دیدنی ها نیز بر رونق و لطف و صفای ایام عید البته می افزود. یادش بخیر، «یاد باد آن روزگاران یاد باد». چهار سالی که انگلستان مشغول تحصیل بودم، این بخت را داشتم که دو نوبت، روزهای پایانی اسفند به تهران برگردم و ایام عید را در کنار خانواده و دوستان سپری کنم و از بودن با ایشان حظّ وافر ببرم؛ طعم شیرین آن خاطرات و روزهای تکرار نشدنی همیشه با من خواهد بود. اما اکنون پنجمین سال متوالی است که سال نوی شمسی را بیرون از ایران سپری می کنم و فرسنگ ها دورتر از سرزمین پدری، در شهر تورنتو در انتظار در رسیدن اول فروردین ماه سال ۹۴ شمسی هستم. امیدوارم تدبیر موافق تقدیر افتد و ماه فروردین سال ۹۵ را در تهران آغاز کنم. در رسیدن بهار، بهانه مبارکی است برای به سر وقت خویشتن رفتن و همزمان با تغییری که در طبیعت صورت می گیرد و جانی که زمین و درختان و گیاهان می گیرند، خانه ضمیر را تکاندن و بند از بند و تار از پود آن گشودن. در دعاهایی که پس از تحویل سال خوانده می شود، تعبیر «حوّل حالنا الی احسن الحال» را خیلی می پسندم. «احسن الحال» و «بهترین حال» هر کسی نسبت وثیقی با پیشینه معرفتی و تربیتی او دارد، از اینرو «بهترین حال» من می تواند با «بهترین حال» شما متفاوت باشد. در اینجا با کثرتی غیر قابل تحویل به وحدت مواجهیم و به تعداد انسانها، می توان «بهترین حال» را سراغ گرفت. اگر همزمان با تحوّل شگرفی که در طبیعت پدید می آید، کبوتر جان هم به پرواز در آید و همونرد افقهای دور شود و تازگی و طراوت و بداعت را تجربه

کند و آتش در پشیمانی و پریشانی زند، آنوقت است که حقیقتاً «عید» محقق شده؛ که «عارفان هر دمی دو عید کنند». در غیر اینصورت، اتفاقی که رخ داده صرفاً آفاقی و بیرونی بوده و سویه های انفسی و درونی نداشته است. این سخن شمس تبریزی را که: «مبارک شماید، ایام بر شما می گذرند»، می توان در این روزها در نظر آورد و با خود مرور کرد و مدّ نظر قرار داد. مهم، اتفاقی است که در باطن و ضمیر فرد رخ می دهد، گذر ایام در رتبه بعدی قرار می گیرد. اگر در این ایام، با خلوت گزینی و واکاوی احوال درون و عریان شدن در برابر خویشتن، بتوان تجربه های کبوترانه و آرامش و شادی ژرف درونی را نصیب برد، نسیم های بهاری در ضمیر وزیدن گرفته و اوقات انسان خوش شده است. فرصت را مغتنم شماریم، چترها را ببندیم و زیر باران برویم، شاید مطراً و معطر شویم و بی نصیب نمانیم» :رختها را بکنیم:/ آب دریک قدمی است/ روشنی را بچشیم/...لب دریا برویم /تور در آب بیندازیم/ و بگیریم طراوت را از آب/ ریگی از روی زمین برداریم /وزن بودن را احساس کنیم/...ریه را از ابدیت پر و خالی بکنیم/...روی پای تر باران به بلندی محبت برویم/ در به روی بشر و نور و گیاه و حشره باز کنیم.